Archive of SID.ir

ارزیابی سازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با ماهیت بانک و امکان‌سنجی ایجاد سازگاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

سیدعلی روحانی*
سیدمهدی بنی‌طبا**

چکیده

در طول یک‌صد سال اخیر، سه دیدگاه در ادبیات اقتصادی پیرامون ماهیت بانک ارائه شده است که شامل واسطه‌گری مالیِ صِرف، خلق پول تجمعی یا ضریب فزاینده و دیدگاه خلق پول انفرادی می‌باشد. در مقاله حاضر به روش تحلیلی- توصیفی، این سه دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است و دیدگاه منطبق بر واقعیت بانک معرفی شده است. از سوی دیگر نص قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا در ایران مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که تعاریف، عقود فی‌مابین سپرده‌گذار و بانک و نیز نحوه شناسایی درآمد و تقسیم آن بین بانک و سپرده‌گذار، حاکی از حاکمیت دیدگاه نخست (واسطه مالیِ صِرف بودن بانک) بر این مقررات می‌باشد. به منظور افزایش سازگاری میان قوانین و مقررات مذکور و ماهیت بانک، پیشنهاداتی در خصوص اصلاح تعاریف (عملیات بانکی، سپرده و قوه ابراء)، اصلاح عقود مربوط به سپرده گذاری (قرض و وکالت) و نیز اصلاح شیوه شناسایی و تقسیم درآمدهای مشاع و غیرمشاع میان بانک و سپرده‌گذاران ارائه شده است. با این وجود، نوع روابط بانک‌ها در بازار بین بانکی و تعامل بانک‌ها با بانک مرکزی، موجب می‌شود ایجاد سازگاری میان واقعیت بانک و مقررات بانکداری بدون ربا، از طریق کاربست نظریه وکالت ناممکن گردد. بر این اساس ادامه تلاش برای حذف ربا از بانک، مبتنی بر دیدگاه واسطه‌گری مالی مثمر ثمر نخواهد بود. لذا پیشنهادات فوق صرفاً به عنوان یک راهبرد کوتاه‌مدت، قابل

* دانش‌آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس (نویسنده مسئول). Email: s.ali.rohani@ut.ac.ir.

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی. Email: smahdi.banitaba@gmail.com.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ارائه است، اما راهبرد اصولی و بلندمدت به منظور حذف ربا (بهره) از نظام تأمین مالی، طراحی نظامات و نهادهایی متفاوت با بانک امروزی است.

واژگان کلیدی: *بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا، خلق پول، واسطه‌گری مالی، ضریب فزاینده، عقد وکالت.*

طبقه‌بندی JEL: E40, E51, G21, K12, G28.

مقدمه

در خصوص ماهیت بانک، به‌طورکلی سه دیدگاه در طول یک‌صد سال اخیر توسط اقتصاددانان مطرح شده است. دیدگاه اول، بانک را صرفاً یک نهاد واسطه مالی می‌داند که سپرده‌های تجهیز شده را وام می‌دهد و همانند سایر واسطه‌های مالی، امکان «خلق» وجوه وام‌دادنی را ندارد. دیدگاه دوم (دیدگاه ضریب فزاینده)، هرچند امکان خلق پول را برای تک‌تک بانک‌ها نفی می‌کند اما خلق پول تجمعی بانک‌ها را می‌پذیرد و آن را حاصل زنجیره سپرده‌گذاری و وام‌دهی و محصول نظام ذخیره جزئی می‌داند. دیدگاه سوم (دیدگاه خلق پول انفرادی بانک‌ها) وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری بانک را محصول «خلق پول از هیچ» و یک عملیات حسابداری ترازنامه‌ای و بر مبنای محاسبات هزینه–فایده و حداکثرسازی سود بانک می‌داند (ورنر ۲۰۱٤، جاکاب و کامهوف ۲۰۱۵). انتخاب هریک از سه دیدگاه فوق، برای طراحی نظام بانکی بدون ربا (یا بانکداری اسلامی)، دارای دلالت‌های مهم و بسیار متفاوتی خواهد بود. مقاله حاضر به منظور شناسایی دیدگاه حاکم بر قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا در ایران (از میان سه دیدگاه فوق) و ارائه پیشنهاداتی به منظور ارتقای سازگاری میان ماهیت بانک و مقررات بانکداری بدون ربا نگاشته شده است. مهم‌ترین سؤالاتی که مقاله حاضر در صدد پاسخ به آنها است، به شرح زیر می‌باشد:

۱. کدام‌یک از دیدگاه‌های موجود نسبت به ماهیت بانک، با واقعیت بانک همخوانی دارد؟
۲. دیدگاه حاکم بر قانون و مقررات عملیات بانکی بدون ربا نسبت به ماهیت بانک چیست؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳. آیا ایجاد سازگاری میان قانون و مقررات عملیات بانکی بدون ربا، با ماهیت و واقعیت بانک ممکن است؟

٤. در این صورت چه اصلاحاتی در تعاریف، عقود و ضوابط حسابداری بانکی باید اعمال گردد؟

مقاله حاضر در گروه پژوهش‌های کیفی بنیادی قرار می‌گیرد و به روش تحلیلی توصیفی نگاشته شده. تبیین دیدگاه‌های سه‌گانه نسبت به ماهیت بانک، با رجوع به اسناد کتابخانه‌ای و روش‌های حسابداری بانکی انجام شده است. به منظور شناسایی دیدگاه حاکم بر قوانین و مقررات مرتبط با عملیات بانکی بدون ربا نیز، از اسناد حقوقی (قوانین و مقررات مصوب مجلس، هیئت وزیران و شورای پول و اعتبار) استفاده شده است.

۱. ادبیات موضوع

نویدخان (۲۰۱۳) و زبیر حسن (۲۰۰۸) به بررسی خلق پول بانکی از منظر شریعت اسلام پرداخته‌اند. آنها فرایند خلق پول بانکی را در چارچوب دیدگاه ضریب فزاینده و خلق پول تدریجی و تجمعی بانک‌ها تصویر کرده‌اند. در نهایت هردو اصل خلق پول توسط بانک را مخالف با شریعت نمی‌دانند، اما قراردادهایی که برای خلق پول (در رابطه میان تسهیلات گیرنده و بانک) منعقد می‌شود را الزاماً در چارچوب عقود شرعی غیرربوی پذیرفته‌اند.

از معدود مطالعاتی که خلق پول بانکی را به معنی «ایجاد ردیف‌های حسابداری در دو طرف ترازنامه بانک به‌طور همزمان» یا «خلق پول از هیچ» در نظر گرفته و آن را از منظر اسلامی مورد نقد و بررسی قرار داده است، یوسف جها (۲۰۱۳) است. وی دیدگاه‌هایی را که بانک را صرفاً «واسطه مالی» می‌داند یا خلق پول بانکی را با فرایند «ضریب فزاینده» توصیف می‌نماید، نفی نموده و با مبنا قرار دادن دیدگاه «خلق پول انفرادی بانک»، به نقد نظام پولی کنونی پرداخته است. وی تصریح می‌کند «بانک‌های اسلامی نیز کاملاً مشابه بانک‌های متعارف، «از هیچ» اعتبار خلق می‌کنند و فرایند خلق پول در هر دو مشابه است ... تنها تفاوت بانک‌های اسلامی و متعارف، در سطح معاملاتی (قراردادها) است و آنها وام ربوی نمی‌دهند». البته یوسف جها به بررسی دلالت‌هایی که خلق پول بانکی (به معنای پیش‌گفته) در عقود و قراردادها دارد، نپرداخته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در میان مطالعات داخلی، صمصامی و کیانپور (۱۳۹٤) و سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) به بررسی امکان‌پذیری خلق پول توسط بانک در چارچوب قواعد اسلامی پرداخته‌اند. مطالعه نخست، بر مبنای رویکرد غایت-محور، خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی را مردود می‌داند؛ درحالی‌که مطالعه دوم، خلق انعطاف‌پذیر پول توسط نظام بانکی را برای مولدیت اقتصاد مفید دانسته و مشروط به قیودی (ناظر به مالکیت بانک، اصلاح آثار توزیعی و هدایت اعتبارات) سازگار با شرع معرفی می‌نماید. حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۵) نیز ضمن تبیین فرایند خلق پول بانکی، با بررسی آرای اندیشمندان اسلامی بیان می‌کند «همه اقتصاددانان مسلمان خلق پول بانک‌های تجاری را در چارچوب رویکرد ذخیره قانونی (ضریب فزاینده) تحلیل می‌کنند؛ ... درحالی‌که این رویکرد با آنچه بانک‌ها در واقعیت انجام می‌دهند، فاصله دارد».

ذکر این نکته ضروری است که هدف مقاله حاضر، پرداختن به سؤالات مبنایی در خصوص بانک نیست؛ سؤالاتی نظیر اینکه از نظر شریعت اسلام، «اساساً آیا وجود نهاد «خلق‌کننده پول از هیچ» پذیرفته است؟[1]» و یا اینکه «مالکیت بانکی که امکان خلق پول از هیچ را دارد، متعلق به بخش خصوصی است یا عمومی؟» و اینکه «آیا مدیریت پول خلق شده جدید یا به تعبیر دیگر «هدایت اعتبار»[2]، باید در اختیار بخش خصوصی باشد یا حاکمیت؟»[3]. مقاله حاضر با مفروض دانستن مشروع بودن شرایط کنونی نظام بانکی ایران (وجود بانک با مالکیت و مدیریت خصوصی و عمومی)، در صدد آشکار نمودن ناسازگاری میان قانون و مقررات عملیات بانکی بدون ربا با ماهیت بانک است و ایجاد سازگاری میان این دو را امکان‌سنجی نموده و اصلاحاتی پیشنهاد می‌دهد؛ اما باید توجه داشت که با توجه به انتقادات متعددی که از منظر عدالت و کارایی توسط اقتصاددانان غربی و اسلامی نسبت به بانکداری ذخیره جزئی وجود دارد، طراحی نظامات متفاوت تأمین مالی در بلندمدت ضروری است.

[1] صمصامی و کیانپور ۱۳۹٤ بر اساس دیدگاه کل‌گرایانه-غایت‌محور، به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند.

[2] Credit Guidance

[3] سبحانی و درودیان ۱۳۹۵ به بررسی این پرسش‌ها برمبنای دو معیار عدالت و مولدیت پرداخته‌اند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. تبیین دیدگاه‌های سه‌گانه نسبت به ماهیت بانک

۲-۱. بانک به مثابه یک واسطه مالیِ صِرف

تبیین این دیدگاه (که از آن با عنوان «واسطه‌گری وجوه وام‌دادنی»[۱] نیز یاد می‌شود)، صرفاً در کتاب‌های اقتصاد کلان دوره کارشناسی یافت می‌شود و اغلب مقالاتی که در زمینه مالی نگارش می‌شوند، این رویکرد را به عنوان پیش‌فرض می‌پذیرند (لیندنر ۲۰۱۵). رایج‌ترین تبیین از این دیدگاه، در چرخه درآمد و مخارج در کتب اقتصاد کلان نمود یافته است که در آن مجموع پس‌انداز خصوصی و دولتی، «جریان ورودی به بازارهای مالی» و سرمایه‌گذاری، برابر با «جریان خروجی از بازارهای مالی» است؛ بنابراین بدون پس‌انداز پیشینی، هیچ جریانی از وجوه قابل وام‌دهی در دسترس سرمایه‌گذاران نخواهد بود. در واقع حداکثر مقدار اعتبار برای سرمایه‌گذاری (وجوه وام‌دادنی) در یک اقتصاد بسته، توسط منابع حاصل از پس‌انداز خانوار و دولت محدود می‌شود.

بر اساس دیدگاه واسطه مالیِ صِرف بودن بانک، «بانک نهادی است که سپرده‌های تجهیز شده را وام می‌دهد و لذا جذب سپرده پیش از وام‌دهی برای بانک ضروری است.» مدافعان این دیدگاه معتقدند «مهم‌ترین کارکرد واسطه‌های مالی (اعم از بانک‌ها و نهادهای مالی غیربانکی) این است که به منظور جلب منابع وام‌دادنی از اشخاص دارای مازاد، بدهیِ خودشان را منتشر می‌کنند و منابعِ وام‌دادنیِ دریافتی را به اشخاص دارای کسری قرض داده و بدهیِ آنها را جذب می‌کنند». «شباهت‌های زیادی میان نهادهای پولی و واسطه‌های غیرپولی وجود دارد و شباهت‌ها بسیار مهم‌تر از تفاوت‌ها است.» ... «نه بانک‌ها و نه هیچ واسطه مالی دیگر، وجوه وام‌دادنی خلق نمی‌کند». گرلی و شاو[۲] (۱۹۵۵، ۱۹۶۰)

این دیدگاه در اوایل شکل‌گیری، مورد انتقاداتی واقع شد. کالبرتسون (۱۹۵۸) معتقد است بانک‌ها به دو دلیل در میان نهادهای مالی منحصربه‌فرد هستند: ۱- بانک‌ها تنها نهادهای خصوصی هستند که بدهی‌شان به عنوان یک واسطه مبادله پذیرفته شده به صورت عمومی (پول) در جریان است. ۲- به دلیل آنکه بانک‌ها قدرت خلق پول دارند، می‌توانند با تغییر

[۱] Intermediation Of Loanable Funds

[۲] Gurley And Shaw

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حجم بدهی خود، به روشی که هیچ نهاد مالی دیگری نمی‌تواند، اعتبار یا وام جدید خلق کنند یا از بین ببرند. در یک نهاد مالی غیربانکی تا زمانی که یک فرد، پولی را نیاورد و با تعهدات مؤسسه معاوضه نکند، آن مؤسسه نمی‌تواند پولی قرض دهد... اما برخلاف این، نیازی نیست که بانک برای افزایش اعتباردهی، «منابع وام‌دادنی را از اشخاص دارای مازاد قرض کند» و «منابعِ قرض‌گرفته شده را به اشخاص دارای کسری انتقال دهد». بانک با دریافت بدهی (سند وام) و خلق سپرده در برابر آن، «خلق اعتبار» می‌کند.

در این دیدگاه، پول به مثابه یک کالا در نظر گرفته شده که وام‌دهیِ آن متوقف بر انباشت شدن آن در بانک است. این در حالی است که پول مدرن، چیزی نیست جز بدهیِ بانک و هیچ الزامی برای بانک وجود ندارد که پیش از وام‌دهی (واگذاری بدهیِ خود به شخص دیگر)، ابتدا بدهی‌های خود نزد سایر افراد را تجمیع (پس‌انداز) نماید و سپس همان اسنادِ بدهی را وام دهد، بلکه بانک می‌تواند رأساً بدهی جدید ایجاد (خلق) نماید. همچنین در این دیدگاه افزایش حجم پول منحصر به تولید پول پرقدرت توسط بانک مرکزی است و در صورتی که بانک مرکزی این فرآیند را متوقف کند حجم پول ثابت خواهد بود و امکان خلق پول از بانک‌ها سلب خواهد شد، این در حالی است که تجربه بانکداری در کشورها ناقض این گزاره است.

این دیدگاه همچنین مبتلا به مغالطه ترکیب[۱] است. در واقع این دیدگاه معمولاً با ارائه مثالی از یک بانک منفرد تبیین می‌شود؛ درحالی‌که برای کل شبکه بانکی، اقامه چنین مثالی ممکن نیست. سپرده‌گذاری نزد یک بانک، هیچ تأثیری در ترازنامه تلفیقی کل نظام بانکی ندارد، چراکه سپرده‌ای از یک بانک دیگر کسر شده و به بانک فعلی افزوده می‌شود[۲]. سپرده‌ها درون نظام بانکی جابجا شده‌اند، ولی این بدان معنا نیست که نظام بانکی به عنوان یک کل، مجموعاً صاحب سپرده بیشتری برای «تأمین مالی وام‌ها» شده است.

---

[۱] fallacy of composition

[۲] روشن است که در اقتصادهای امروز، سپرده‌گذاری به شکل تحویل اسکناس به بانک، درصد بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهد و تبیین رفتار کل نظام بانکی بر مبنای اسکناس که تنها حدود ۲-۳ درصد کل نقدینگی است، صحیح نخواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲-۲. دیدگاه ضریب فزاینده و خلق پول تجمعی بانک‌ها

نظریه «ضریب فزاینده»[۱] درباره چگونگی خلق اعتبار بانک‌ها غالباً چنین بیان می‌شود: تحت یک نظام بانکداری ذخیره جزئی، بانک‌ها باید بخشی از سپرده‌های خود را به عنوان سپرده نزد بانک مرکزی نگهداری نمایند، اما می‌توانند مقدار باقیمانده را «وام دهند». با داشتن این ذخیره قانونی و ترجیحات مردم برای نگهداری پول نقد، یک «ضریب فزاینده پولی» به دست می‌آید. (شرد ۲۰۱۳) این دیدگاه امکان خلق پول را برای تک‌تک بانک‌ها نفی می‌نماید اما خلق پول تجمعی بانک‌ها را می‌پذیرد و آن را حاصل زنجیره سپرده‌گذاری و وام‌دهی و محصول نظام ذخیره جزئی می‌داند: «مجموعه نظام بانکی به عنوان یک کل، می‌تواند کاری را بکند که هر یک از بانک‌ها نمی‌توانند بکنند»[۲] (ساموئلسون ۱۹٤۸ – ۱۹۹۵)

در صورتی که دیدگاه ضریب فزاینده، به جای ابتناء بر سپرده‌گذاری و وام‌دهی اسکناس، مبتنی بر ترازنامه و پول بانکی تشریح شود، بر مبنای این دیدگاه، حتی خلق پول توسط یک بانک منفرد هم پذیرفته خواهد شد، اما خلق پول بانک‌ها محدود به ذخایر آنها نزد بانک مرکزی خواهد بود. نهایتاً در دیدگاه ضریب فزاینده، اولاً هر بانک تنها زمانی می‌تواند وام دهد که پیش از آن پول پرقدرت بانک مرکزی را (در قالب ذخایر یا موجودی نقد) جذب کرده باشد. ثانیاً بانک‌ها از طریق تکرارِ وام‌دهیِ مجددِ[۳] همان مقادیرِ تزریق‌شده اولیه، می‌توانند خلق پول کنند و حجم نقدینگی در مجموعه شبکه بانکی چند برابر می‌شود.

یکی از دلالت‌های مشترک هر دو رویکرد ضریب فزاینده و واسطه‌گری مالی این است که «بانک‌های تجاری برای وام‌دهی نیازمند ذخایر هستند». همین مسئله موجب پدید آمدن این تصور می‌شود که «بانک مرکزی می‌تواند سطح وام‌دهی در اقتصاد را از طریق محدود نمودن عرضه ذخایر کنترل نماید». در واقع مطابق این دیدگاه، در صورتی که بانک مرکزی

---

[۱] Deposit Multiplier

[۲] این عبارات در کلیه ویرایش‌های کتاب ساموئلسون تا ۱۹۹۵ تکرار شده است.

[۳] Repeated Re-Lending

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تولید پول جدید را متوقف کند، بعد از مدتی حجم پول ثابت خواهد شد و بانک‌ها دیگر امکان خلق پول نخواهند داشت.

شرد (۲۰۱۳)[۱] در نقد این دیدگاه می‌گوید: برخی تحلیلگران اقتصادی که معتقد به دیدگاه ضریب فزاینده بودند، هنگامی که مشاهده کردند سیاست تسهیل مقداری[۲] منجر به افزایش شدید وام‌دهی بانک‌ها نشد، بیان داشتند که «رابطه ضریب فزاینده پولی در کوتاه‌مدت برقرار نیست. بانک‌ها صرفاً ذخایر مازاد خود را نزد بانک مرکزی «پارک کرده‌اند» و هنگامی که تقاضا برای وام افزایش یابد، «آنها را وام خواهند داد» و منجر به انفجار تورم به صورت غیرقابل کنترل خواهند شد.» اما این اتفاق نخواهد افتاد، چراکه نه بانک‌های فردی و نه مجموع بانک‌ها نمی‌توانند ذخایر خود (نزد بانک مرکزی) را قرض دهند. یک بانک تنها می‌تواند ذخایر خود را از طریق وام دادن به سایر بانک‌ها یا خرید دارایی‌ها کاهش دهد. مجموع ذخایر بانک‌ها نیز اساساً متأثر از تصمیمات خود بانک‌ها نیست، بلکه از ترازنامه بانک مرکزی حاصل می‌شود.

چنانکه در بخش بعد تشریح می‌شود، اولاً در بسیاری موارد، خلق نقدینگی توسط بانک‌ها پیش از خلق پایه پولی توسط بانک مرکزی رخ می‌دهد، ثانیاً ممکن است خلق نقدینگی توسط بانک علت خلق پایه پولی گردد (در شرایطی که بانک‌های تجاری نیاز به مقادیر بیشتری از ذخایر داشته باشند و بانک مرکزی نرخ بهره را هدفگذاری کرده باشد)، ثالثاً الزامی برای رخداد سپرده‌گذاری و وام‌دهی متوالی برای خلق پول بانک‌ها وجود ندارد و رشد حجم پول بانکی می‌تواند به صورت دفعی (و نه تدریجی) توسط یک بانک منفرد (و نه مجموعه نظام بانکی) انجام شود.

ذکر این نکته ضروری است که فهم دقیق و صحیح تمایز میان سه دیدگاه فوق، منوط به فهم دقیق تمایز میان «پول بانکی» و «پول بانک مرکزی» است. در اقتصادهای امروز، پول بانکی (بدهی بانک در قالب انواع سپرده) ابزار تسویه معاملات بخش غیربانکی است و

---

[۱] در مقاله‌ای با عنوان «Repeat After Me: Banks Cannot And Do Not "Lend Out" Reserves»

[۲] Quantitative Easing

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پول بانک مرکزی (بدهی بانک مرکزی، اعم از اسکناس و مسکوک منتشره و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی) ابزار تسویه معاملات بانک‌ها است.

۲-۳. دیدگاه خلق پول انفرادی بانک

شروع فعالیت بانک در دیدگاه واسطه مالیِ صِرف، سپرده‌گذاری یک شخص در بانک است. همچنین در دیدگاه ضریب فزاینده، شروع فعالیت بانک و فرایند وام‌دهی، با افزایش ذخایر بانک نزد بانک مرکزی (مثلاً به واسطه عملیات بازار باز بانک مرکزی) است؛ اما برخلاف این دو دیدگاه، در دیدگاه خلق پول انفرادی بانک[۱]، شروع فرایند وام‌دهی با یک قرض‌گیرنده (سرمایه‌گذار) است، که بانک پس از ارزیابی ریسک اعتباری او، قرارداد وام را با او امضا می‌کند. هنگامی که این وام در حساب‌های بانک به عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود، به‌طور همزمان، یک سپرده نیز به همان مقدار به عنوان بدهی در حساب‌های بانک ثبت می‌شود. بانک از طریق وام‌دهی، قدرت خرید جدید یا همان پول را خلق می‌نماید. هم وام و هم سپرده به نام سرمایه‌گذار است و این بدان معنا است که این فرایند شامل هیچ‌گونه واسطه‌گری وجوه نیست.

مرحله ۱ – خلق وام و سپرده همزمان برای سرمایه‌گذار

دارایی	بدهی
وام‌های قبلی	سپرده‌های قبلی
خلق وام جدید برای سرمایه‌گذار	خلق سپرده جدید برای سرمایه‌گذار

بانک در لحظه اعطای وام باید به‌طور همزمان دو طرف ترازنامه خود را منبسط نماید. در طرف دارایی‌ها، وام جدید ثبت می‌شود و در طرف بدهی‌ها، سپرده جدیدی متعلق به وام‌گیرنده افتتاح و بستانکار می‌گردد؛ بنابراین دقیقاً «بانک، پولی را که نداشته، سرمایه‌گذاری می‌کند»، چراکه پول سرمایه‌گذاری شده توسط بانک، بدهیِ خود او است، نه پول خلق‌شده توسط بانک مرکزی. همچنین وام‌دادن بانک به میزانی بیش از سپرده‌ای که

[۱] Financing through Money Creation

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جذب کرده، به هیچ عنوان موجب عدم تعادل ترازنامه نمی‌شود؛ چراکه در لحظه وام‌دهی بانک (و مستقل از حجم وام)، هر دو طرف ترازنامه به یک اندازه منبسط می‌شوند.

نکته دیگر آنکه پس‌انداز، «نتیجه» غیرارادی فرایند وام‌دهی و سرمایه‌گذاری است، نه «علت» آن. هنگامی که شخص وام‌گیرنده، سپرده جدید خود را برای خرید کالا، به حساب فروشنده منتقل می‌کند، شخص فروشنده به یک پس‌انداز کننده تبدیل می‌شود. در واقع در نظام بانکی، پس‌انداز موجب تأمین مالی سرمایه‌گذاری نمی‌شود، بلکه این خلق پول بانک است که سرمایه‌گذاری را تأمین مالی می‌کند. در انتهای این فرایند، هویت شخص وام‌گیرنده (سرمایه‌گذار) با هویت شخص پس‌اندازکننده (فروشنده) متفاوت است؛ اما این بدین معنا نیست که بانک، واسطه وجوه میان وام‌گیرنده و پس‌انداز کننده شده؛ بلکه بانک قدرت خرید جدیدی، صرفاً برای شخص وام‌گیرنده، خلق نموده که در مرحله بعد و به واسطه نظام تسویه، به فروشنده منتقل شده است. (جاکاب و کامهوف ۲۰۱۵)

مرحله ۲ - سرمایه‌گذاری (مبادله پول با کالا)

دارایی	بدهی
وام‌های قبلی	سپرده‌های قبلی
وام به سرمایه‌گذار الف	سپرده فروشنده کالا

در نظر داشتن این تمایز میان بانک‌ها و سایر نهادهای اقتصادی بسیار ضروری است: هنگامی که یک قرض‌دهنده نتواند خودش خلق پول کند (مانند همه نهادهای غیربانکی و غیرسپرده‌پذیر)، مجبور است انباشت پول خود را کاهش و انباشت سایر دارایی‌های مالی خود (به صورت وام یا اوراق قرضه) را افزایش دهد؛ اما قرض‌دهنده‌ای که قادر به خلق پول است (نظیر بانک مرکزی یا بانک تجاری)، به صورت همزمان، هم دارایی‌های مالی خود را افزایش می‌دهد (وام جدید خلق‌شده) و هم بدهی‌های مالی خود را اضافه می‌کند (سپرده قرض‌گیرنده). (لیندنر ۲۰۱۵)

ابهامی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا خلق پول از هیچ به صورت نامحدود امکان ادامه دارد؟ پاسخ این است که خیر. دو چیز خلق پول را محدود می‌کند: ۱- نیاز به مدیریت ذخایر قانونی در سطح مورد نظر بانک مرکزی، ۲- کاهش میزان ذخایر قانونی نزد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بانک مرکزی به میزان خروج خالص سپرده‌ها از بانک. در واقع اگر وام‌گیرنده قصد خروج منابع سپرده جدید خود از بانک الف به بانک ب را داشته باشد، بانک الف باید از محل ذخایر خود نزد بانک مرکزی (پول بانک مرکزی) با بانک ب تسویه را انجام دهد. در این صورت سپرده بانک الف نزد بانک مرکزی کاهش و سپرده بانک ب نزد این بانک افزایش خواهد یافت و در صورتی که بانک الف پیش از جذب سپرده (یا ذخایر) اقدام به وام‌دهی کرده باشد، دچار کسری ذخایر می‌شود.

بانک الف در صورتی که با کسری ذخایر مواجه شود، سه گزینه برای جبران این کسری خواهد داشت: ۱. جذب سپرده از سایر بانک‌ها ۲. استقراض در بازار بین بانکی از سایر بانک‌ها ۳. استقراض از بانک مرکزی که به ترتیب هزینه بیشتری برای بانک خواهد داشت. در صورتی که سود عاید از وام‌دهی بانک الف، بیش از سود پرداختی برای سه گزینه فوق باشد، خلق پول در قالب وام با توجه به ریسک نکول آن برای بانک الف سودآور است و بانک بدون نیاز به جذب سپرده پیشینی، وام‌دهی و خلق پول را صورت خواهد داد.

اما نکته حائز اهمیت این است که فرایند خلق پول و وام‌دهی برای کلیه بانک‌ها در اقتصاد وجود دارد. در صورتی که همه بانک‌ها با سرعتی کمابیش مشابه، اقدام به خلق پول و اعطای وام نمایند، به‌گونه‌ای‌که هر بانک متناسب با سهم خود از بازار پول، خلق پول نماید، در این صورت خالص ورود و خروج منابع از بانک‌ها تقریباً صفر خواهد بود. به بیان دیگر هر بانک، علیرغم اینکه در قالب وام‌دهی خلق پول نموده و این سپرده‌ها از بانک خارج شده، اما به دلیل ورود سپرده از سایر بانک‌ها، خالص مبلغی که باید در بازار بین‌بانکی و از محل ذخایر خود با سایر بانک‌ها تسویه نماید، به مراتب کمتر از حجم سپرده خلق شده توسط بانک است. لذا اگر همه بانک‌ها با سرعتی نسبتاً مشابه خلق پول نمایند، دچار کسری ذخایر بابت انتقال وجوه بین بانکی نخواهند شد. این همان نکته‌ای است که کینز (۱۹۳۰) بر آن تأکید نموده: تا زمانی که بانک‌ها با سرعت یکسان حرکت کنند، هیچ قیدی برای حجم پولی که می‌توانند به صورت کاملاً امن خلق کنند، وجود ندارد.[۱]

[۱] There is no limit to the amount of bank-money which the banks can create safely provided that they move forward in step (A Treatise on Money, Vol.1, p 26)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بنابراین تنها قید بانک در هنگام وام‌دهی (خلق وام)، مدیریت نقدینگی (ذخایر) متناسب با انتظار خروج خالص منابع از بانک است. به همین دلیل سقف وام اعطاشده توسط بانک، معادل «سپرده جذب‌شده پس از کسر ذخیره قانونی» (چنانکه در دیدگاه ضریب فزاینده ادعا می‌شود) نیست.

چنانکه جاکاب و کامهوف (۲۰۱۵) نشان داده‌اند، در صورتی که اولاً فهم کالایی از پول اصلاح شده و پول به عنوان بدهیِ بانک فهم شود؛ ثانیاً کلیه عملیات بانکی در چارچوب ترازنامه و با رعایت اصول حسابداری دوطرفه تحلیل شود؛ ثالثاً به تمایز و تفکیک ترازنامه بانک مرکزی از ترازنامه شبکه بانکی و ترازنامه بانک منفرد توجه شود، در این صورت ضرورتاً دو دیدگاه واسطه‌گری مالی و ضریب فزاینده رد می‌شود و پذیرش «خلق همزمان سپرده و وام» و «عدم نیاز به جذب سپرده پیش از وام» و نیز «عدم امکان وام‌دهی ذخایر بانک‌ها»، ضروری خواهد بود. بر این اساس، در واقعیت:

۱. بانک صرفاً واسطه وجوه نیست بلکه خالق پول در اقتصاد است و خلق پول و تخصیص منابع ناشی از آن توسط بانک، متوقف بر تجهیز منابع نیست؛
۲. بانک سپرده‌های مردم نزد خود یا ذخایر خود نزد بانک مرکزی را وام نمی‌دهد، بلکه وام را، بر مبنای محاسبه هزینه–فایده و حداکثرسازی سود خود، از هیچ خلق می‌کند.
۳. جذب سپرده از سایر بانک‌ها توسط یک بانک، صرفاً برای افزایش ذخایر بانک نزد بانک مرکزی صورت می‌گیرد که برای تسویه بین‌بانکی یا تودیع ذخیره قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نه برای وام‌دهی)

در صورتی که پول به عنوان بدهیِ بانک فهم شود، روشن می‌شود که اساساً بین منابع و مصارف ترازنامه بانک، یک دیوار ضخیم وجود دارد: چیزی از سمت چپ به سمت راست ترازنامه نمی‌تواند منتقل شود یا تخصیص یابد. «تخصیص سپرده‌ها به تسهیلات یا سرمایه‌گذاری» عبارت نادرستی است. بانک صرفاً باید به گونه‌ای عمل نماید که ترازنامه او همواره در وضعیت تراز باقی بماند. آنچه می‌تواند موضوع مقررات‌گذاری بانکی قرار گیرد، نه «تخصیص سپرده‌های خاص به دارایی‌های خاص»، بلکه صرفاً قاعده‌گذاری برای نسبتِ برخی اجزاء منابع بانک به برخی اجزاء مصارف بانک است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شایان ذکر است که دیدگاه سوم (خلق پول انفرادی بانک)، مدافعان بسیاری در میان اقتصاددانان پولی مطرح و نیز سیاستگذاران پولی پیشرو دارد، از جمله (King ۲۰۱۲) (رئیس سابق بانک مرکزی انگلستان)، (Turner ۲۰۱۳) (رئیس سابق مقام خدمات مالی انگلستان[۱])، (Bindseil ۲۰۰٤) (رئیس وقت بخش مدیریت نقدینگی در بانک مرکزی اتحادیه اروپا)، (Goodhart ۲۰۰۷) (از اقتصاددانان پولی سرآمد)، (Dudley ۲۰۰۹) (رئیس فدرال رزرو نیویورک). کمیجانی و همکاران (۱۳۹۷) تعداد بیشتری از حامیان این دیدگاه را معرفی نموده‌اند.

۳. شناسایی دیدگاه حاکم بر قانون و مقررات عملیات بانکی بدون ربا

۳-۱. بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های آن

مواد متعددی از قانون عملیات بانکی بدون ربا به صراحت دال بر حاکمیت دیدگاه «واسطه مالیِ صِرف» بر این قانون است. به عنوان مثال در تبصره ماده ۳ تصریح شده: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در بکار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.» همچنین در ماده ١٤ تصریح شده: «بانک‌ها موظف‌اند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ٤۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند». عباراتی نظیر «استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات» یا «اختصاص دادن منابع خود به متقاضیان» در مواد فوق و همچنین عبارت پرتکرار «حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌ها»[۲]، دال بر رویکرد واسطه‌گری است.

---

[۱] Financial Services Authority Of Uk

[۲] بند ٤ ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عبارت دیگری که دال بر نادیده انگاشته شدن امکان خلق پول انفرادی بانک‌ها است، در ماده ۳[1] فصل دوم این قانون (تجهیز منابع پولی) که انواع روش‌های «قبول سپرده» توسط بانک‌ها را بیان می‌کند، دیده می‌شود. گویی بانک‌ها صرفاً می‌توانند منابع پولی (سپرده‌ها) را «تجهیز» یا «قبول» کنند و امکان «خلق» سپرده توسط یک بانک وجود ندارد.

علاوه بر عبارات فوق، تقسیم درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع که به موجب مواد ۵ و ۲۳[2] این قانون انجام شده، در چارچوب دیدگاه واسطه‌گری مالی قابل فهم و پذیرش است؛ و سازگار با دیدگاه خلق پول نیست. مطابق این مواد، منافع حاصل از به‌کارگیری سپرده مشتریان در سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات بانک، باید متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سهم منابع بانک، بین سپرده‌گذاران و بانک تقسیم شود. فرض مصرح در این عبارات، این است که بانک برای سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات، سپرده مشتریان را به کار می‌گیرد؛ اما ازآنجاکه در واقعیت و مطابق دیدگاه خلق پول، بانک اساساً منابع سپرده‌گذاران را وام نمی‌دهد و سرمایه‌گذاری نمی‌کند (بلکه منابع لازم برای اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری را خلق می‌کند)، لذا شریک دانستن سپرده‌گذاران در سود وام‌ها یا سرمایه‌گذاری‌ها و از طرف دیگر خارج کردن سپرده‌گذاران از شراکت در درآمدهای کارمزدی و حق‌الوکاله‌های دریافتی، محل تأمل جدی است. این مطلب در بخش بعد تشریح خواهد شد.

---

۱ ماده ۳ – بانک‌ها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف – سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز. ب – سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

۲ ماده ۵ – منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده "۳" این قانون، بر اساس قرارداد منعقده، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته‌شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۳ – وجوه دریافتی تحت عنوان کارمزد و حق‌الوکاله جزو درآمدهای بانک‌ها بوده و قابل تقسیم بین سپرده‌گذاران نمی‌باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علاوه بر متن قانون، در آیین‌نامه‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز حاکمیت دیدگاه واسطه‌گری قابل مشاهده است. ماده ۱۱ آیین‌نامه فصل دوم[1] و جزء ۵ ماده ۳ آیین‌نامه فصل چهارم[2] قانون، تسهیلات اعطایی بانک را «از محل» سپرده‌ها می‌داند.

همچنین در مواد ۲ تا ٤ آیین‌نامه فصل پنجم این قانون[3] که درباره تأمین اعتبار یا وام‌دهی بین‌بانکی است، به دلیل خلط میان پول بانکی (بدهی بانک) و پول بانک مرکزی (بدهی بانک مرکزی)، عملاً دیدگاه واسطه مالیِ صِرف بودنِ بانک حاکم شده است. توضیح آنکه «تأمین منابع مورد نیاز بانک»، در واقع به معنی تأمین ذخایر (پول بانک مرکزی یا موجودی حساب بانک نزد بانک مرکزی) برای آن بانک است. این ذخایر چنانکه بیان شد، بدهی بانک مرکزی است و لذا نمی‌تواند به هیچ‌یک از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیربانکی وام (یا تسهیلات) داده شود، بلکه صرفاً بانک‌هایی که دارای حساب نزد بانک مرکزی هستند، می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. بنابراین عبارت «تأمین منابع مورد نیاز بانک‌های دیگر از محل منابع سپرده‌گذار» محل تأمل جدی است. به تبع، وکالت توکیلیِ بانک گیرنده منابع در استفاده از این منابع نیز (که در ماده ۳ ذکر شده) محل خدشه خواهد بود.

---

۱ آیین‌نامه فصل دوم، ماده ۱۱ – بانک‌ها در تأمین منابع لازم جهت تسهیلات اعطایی عملیات موضوع ماده ۹ اولویت به منابع سپرده‌گذار خواهند داد.

۲ آیین‌نامه فصل چهارم، ماده ۳ – جزء ۵ – تعیین حداقل و یا حداکثر میزان تسهیلات اعطائی بانک‌ها از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری و یا منابع بانک برای هر یک از رشته‌های فعالیت

۳ ماده ۲ – بانک‌ها می‌توانند بخشی از منابع مورد نیاز بانک‌ها دیگر را به ترتیب اولویت از محل منابع سپرده‌گذار و یا از محل منابع خود تأمین نمایند.

ماده ۳ – در مواردی که تأمین منابع توسط یک بانک برای بانک‌های دیگر از محل منابع سپرده‌گذار صورت گیرد، بانک گیرنده منابع به وکالت توکیلی از طرف بانک تأمین‌کننده منابع، وجوه حاصله را طبق ضوابط مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به شرح آئین‌نامه تجهیز منابع پولی، منحصراً به مصارف امور موضوع ماده ۹ خواهد رساند.

ماده ٤ – در مواردی که تأمین منابع توسط یک بانک برای بانک‌های دیگر به صورت وام یا اعتبار و نظائر آن از محل منابع خود بانک صورت گیرد، وجوه دریافتی توسط بانک گیرنده، جزء منابع بانک اخیر محسوب می‌گردد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲. بررسی قانون پولی و بانکی

تلقی ناقص از پول و بانک و خلط پول بانکی با پول بانک مرکزی، در قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ نیز دیده می‌شود، با این تفاوت که علاوه بر موارد فوق‌الذکر، دیدگاه کالایی به پول نیز در این قانون غلبه دارد. چنانکه در بخش قبل بیان شد، در اقتصادهای امروز، پول بانکی (بدهی بانک در قالب انواع سپرده) ابزار تسویه معاملات بخش غیربانکی است و پول بانک مرکزی (بدهی بانک مرکزی، اعم از اسکناس و مسکوک منتشره و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی) ابزار تسویه معاملات بانک‌ها است. این تمایز باید در مقام تعریف «پول رایج کشور» و نیز «قوه ابراء قانونی»[۱] مدنظر قرار گیرد.

مطابق ماده ۲ قانون پولی و بانکی، «پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است» و تنها اسکناس و پول‌های فلزیِ رسمی، «جریان قانونی و قوه ابراء دارد»[۲]. بر این اساس، بدهی بانک مرکزی که به شکل ذخایر (موجودی حساب‌های) بانک‌ها نزد بانک مرکزی باشد، به عنوان ابزار تسویه بین‌بانکها، فاقد قوه ابراء قانونی است. این در حالی است که امروزه بخش اعظم تسویه معاملات بین‌بانکی از طریق ذخایر (و نه اسکناس) انجام می‌شود. غلبه دیدگاه کالایی (اسکناسی) نسبت به پول، در بخش‌های دیگری از قانون پولی و بانکی نیز که به ذکر مقررات جزئی و سخت‌گیرانه مربوط به ضوابط انتشار اسکناس و مسکوکات پرداخته، مشهود است. از جمله بند «و» و «ز» ماده ۳۲[۳]

---

[۱] مطابق ماده ۲۸۹ قانون مدنی: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر نماید.» هنگامی که بیان می‌شود «پول رسمی کشور دارای قوه ابراء قانونی است» بدین معنی است که مدیون در ازای پرداخت پول رسمی کشور به داین، ذمه خود را بریء می‌کند و داین نیز مکلف است پول رسمی کشور را در ازای دین مدیون بپذیرد.

[۲] ماده ۲- الف - پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است.

ب - فقط اسکناس و پول‌های فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق این قانون انتشار می‌یابد جریان قانونی و قوه ابراء دارد.

[۳] و - مبلغ اسمی، شکل، جنس، رنگ، اندازه، نقشه و سایر مشخصات اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی رایج کشور به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و تصویب وزیر دارائی با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد گردید. میزان سکه‌های فلزی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی ایران و تصویب وزیر دارائی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

درباره ضوابط «شکل، جنس، رنگ، اندازه و نقشه» اسکناس‌ها و مسکوکات و نیز ماده ۵[1] درباره پشتوانه اسکناس‌های منتشرشده توسط بانک مرکزی. نکته جالب توجه آن است که برای انتشار اسکناس و مسکوک، علیرغم آنکه کمتر از ۲۰ درصد از کل پایه پولی (کل بدهی بانک مرکزی) و کمتر از ۳ درصد از کل نقدینگی را تشکیل می‌دهد[2]، ضوابط سخت‌گیرانه‌ای وضع شده، اما برای ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی که بخش اعظم پایه پولی را تشکیل می‌دهد، هیچ‌گونه ضوابط ویژه‌ای در خصوص انتشار یا پشتوانه لازم برای آن، مورد توجه قرار نگرفته است.

در ماده ۳ این قانون[3] نیز امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت (بانک مرکزی) قرار داده شده است؛ اما چنانکه بیان شد، قانون‌گذار تمایزی میان پول بانکی (که پول رایج در معاملات اشخاص غیربانکی و بخش واقعی اقتصاد است) با پول بانک مرکزی (که پول رایج در معاملات بانک‌ها است) قائل نشده است.

شایان ذکر است در قانون پولی و بانکی، «بانک» و «عملیات بانکی» تعریف نشده است. همچنین در قانون بانکی و پولی مصوب ۱۳۳۹ نیز، که قانون حاکم بر نظام بانکی پیش از قانون مذکور بوده، بانک به عنوان «مؤسسه‌ای که به صورت شرکت سهامی تشکیل شده و

تعیین خواهد شد.

ز – اسکناس دارای امضاء وزیر دارائی و رئیس کل بانک مرکزی ایران خواهد بود.

[1] ماده ۵ – الف – بانک مرکزی ایران باید برابر صد درصد اسکناس‌های منتشرشده همواره دارائی‌هایی به شرح زیر به عنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد: ۱– طلا طبق ماده ٦، ۲– ارز طبق ماده ۷، ۳– اسناد و اوراق بهادار طبق مواد ۸ و ۹.

ب – مجموع دارائی‌های مندرج در ردیف‌های یک و دو بند الف این ماده نباید از ۲۵ درصد مجموع بدهی های بانک مرکزی ایران بابت اسکناس‌های منتشرشده کمتر باشد.

[2] بر اساس گزارش نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، در پایان شهریور ۹٦ نسبت اسکناس و مسکوک به پایه پولی ۲۷ درصد و نسبت اسکناس و مسکوک به نقدینگی ۲,۵ درصد بوده است.

[3] ماده ۳ – الف – امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است و این امتیاز با رعایت مقررات این قانون منحصراً به بانک مرکزی ایران واگذار می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به عملیات بانکی اشتغال دارد» تعریف شده و تشخیص «عملیات بانکی» نیز به شورای پول و اعتبار سپرده شده است.[1]

۳-۳. بررسی سایر قوانین مرتبط

تسلط رویکردهای ناقص واسطه مالیِ صِرف یا ضریب فزاینده، در قوانین برنامه توسعه مختلف نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در ماده ۵۵ قانون برنامه سوم توسعه[2]، به برخی بانک‌ها اجازه «استفاده از سپرده قانونی نزد بانک مرکزی برای اعطای تسهیلات» داده شده (منطبق بر رویکرد ضریب فزاینده). مشابه این حکم در ماده ۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه[3] مجدداً تکرار شده است. همچنین در ماده ٥٦ قانون برنامه سوم توسعه[4]، به بانک‌ها تکلیف شده که «بخشی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را تسهیلات دهند». این عبارت نیز چنانکه

---

۱ ماده ۵۸– ۱– بانک مؤسسه‌ای است که به صورت شرکت سهامی مطابق قانون بازرگانی تشکیل شده و بر اساس مواد این فصل به عملیات بانکی اشتغال ورزد. ۲–ت شخیص عملیات بانکی با شورای پول و اعتبار است.

۲ ماده ۵۵ – سه درصد از سپرده‌های قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای درصد سال ۱۳۷۸ در اختیار بانک‌های کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن (هر بانک یک درصد) قرار می‌گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرح‌های کشاورزی و دامپروری، احداث ساختمان و مسکن، تکمیل طرح‌های صنعتی و معدنی بخش غیردولتی شود که ویژگی عمده آنها اشتغال‌زائی می‌باشد.

۳ ماده ۱۱ – سه درصد از سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای درصد سال ۱۳۸۳ در اختیار بانک‌های کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن (هر بانک ۱٪) قرار گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرح‌های کشاورزی و دامپروری، احداث ساختمان و مسکن، تکمیل طرح‌های صنعتی و معدنی بخش غیردولتی شود که ویژگی عمده آنان اشتغالزایی باشد. آئین‌نامه اجرائی این ماده با رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳٦۲/٦/۸ توسط شورای پول و اعتبار تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

٤ ماده ٥٦ – (اصلاحی ۱۳۸۰/۰۸/۲۹) در اجرای بند (۲) اصل چهل و سوم قانون اساسی و در راستای تحقق سیاست‌های اشتغال این قانون، نظام بانکی کشور موظف است در طول سال‌های برنامه سوم به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که حداکثر از بیست درصد آن تجاوز نمی‌کند حداقل هفتاد درصد بقیه را به صورت تسهیلات در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی قرار دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیش‌تر بیان شد، منطبق بر دیدگاه واسطه مالی است. مشابه این حکم در ماده ۸۶ قانون برنامه پنجم توسعه[1] نیز (البته با ایجاد محدودیت بیشتر برای مصارف تسهیلات) تکرار شده است.

در ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی (مصوب ۱۳۸۳)، «عملیات بانکی» تعریف شده و به‌صراحت بر واسطه مالی بودن بانک تأکید شده است: «عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده، ودیعه و موارد مشابه تحت هر عنوان و اعطاء وام، اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری اطلاق می‌شود.»

در قوانین بودجه سالانه نیز شواهد متعددی از رویکرد واسطه مالی قابل مشاهده است. به عنوان مثال، بند د تبصره ۱۶ قانون بودجه ۱۳۹۶[2]، بانک مرکزی را مکلف به «پرداخت تسهیلات به گروه‌های خاص از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه» نموده است.

۳-٤. بررسی سایر مقررات مصوب هیئت وزیران یا شورای پول و اعتبار

غلبه دیدگاه واسطه مالیِ صِرف بودن بانک، در سایر مقررات مصوب هیئت وزیران یا شورای پول و اعتبار (به عنوان تخصصی‌ترین نهاد سیاستگذار و مقررات‌گذار نظام پولی کشور) نیز قابل مشاهده است. در ماده ۱ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری

[1] ماده ۸۶ – به منظور گسترش و نهادینه‌کردن سنت پسندیده قرض‌الحسنه: الف – شبکه بانکی کشور موظف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه نسبت به تفکیک حساب‌ها و ایجاد سازوکارهای مجزای اداری به نحوی اقدام نماید که منابع تجهیز شده از حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه پس از کسر ذخیره قانونی و احتیاطی، صرفاً برای اعطاء تسهیلات قرض‌الحسنه صرف شود.

[2] د – بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از طریق بانک‌های عامل مبلغ سی هزار میلیارد ریال مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه بانکی و رشد مبلغ مزبور را به تفکیک بیست‌ویک هزار میلیارد ریال به کمیته امداد امام خمینی (ره) و نه هزار میلیارد ریال به سازمان بهزیستی با معرفی دستگاه‌های ذی‌ربط به مددجویان و کارفرمایان طرح‌های اشتغال مددجویی پرداخت نماید. در صورتی که هر یک از دستگاه‌های مذکور نتوانند به هر میزان سهمیه تسهیلات خود را تا پایان آذرماه ۱۳۹۶ استفاده نمایند، سهمیه مذکور به دیگر دستگاه‌های مشمول تعلق می‌گیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

غیردولتی[1]، عملیات بانکی بدین صورت تعریف شده است: «دریافت سپرده و به‌کارگیری آن در قالب اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار در چارچوب قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا و مصوبات شورای پول و اعتبار از جمله مقررات ناظر بر عملیات مجاز بانکی.» دقیقاً همین عبارت در تعریف عملیات بانکی در ماده ۱ مقررات ناظر بر عملیات مجاز بانکی[2] تکرار شده است که بر «به‌کارگیری سپرده‌ها در قالب اعطای تسهیلات» تأکید دارد.

همچنین در ماده اخیرالذکر، «سپرده» به عنوان «وجهی که از عموم دریافت می‌گردد» تعریف شده و به نوعی از سپرده که دفعتاً در لحظه اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری، توسط بانک «خلق» می‌شود توجه نشده است. البته شایان ذکر است تعریف ارائه‌شده در این مقررات برای «تسهیلات» (فراهم کردن منابع مالی مورد نیاز متقاضیان در چارچوب عقود اسلامی)، تعارضی با دیدگاه خلق پول و واقعیت عملیات بانکی ندارد.

یکی دیگر از مقرراتی که دال بر دیدگاه واسطه مالیِ صِرف بودن بانک است، دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع ریالی است، که چندین نوبت نیز مورد اصلاح قرار گرفته است.[3] این دستورالعمل به منظور تشریح جزئیات و فرایند اجرایی مواد ۵ و ۲۳ قانون

---

[1] مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیئت وزیران

۲ مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۲۷ شورای پول و اعتبار

ماده ۱ (تعاریف)

عملیات بانکی: دریافت سپرده و به‌کارگیری آن در قالب اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار.

سپرده: وجهی است که از عموم دریافت می‌گردد و بازپرداخت آن می‌تواند به همراه سود یا امتیاز یا بدون آنها و یا با کسر تمام یا قسمتی از آن باشد. موارد ذیل از جمله مصادیق سپرده محسوب می‌شود: سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز، سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار، سپرده سرمایه‌گذاری خاص

اعتبار: تعهد به پرداخت تسهیلات به اشخاص یا پذیرش تعهد در قالب مواردی نظیر گشایش اعتبار اسنادی، صدور ضمانت‌نامه یا موارد مشابه

تسهیلات: فراهم کردن منابع مالی مورد نیاز متقاضیان در چارچوب عقود اسلامی

[3] بانک مرکزی در سال ۱۳۸۲، «دستورالعمل اجرایی چگونگی محاسبه سود قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار با احتساب حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌ها» را به شبکه بانکی ابلاغ نمود (طی بخشنامه شماره

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عملیات بانکی بدون ربا، (تقسیم منافع حاصل از سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات بانک، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سهم منابع بانک، بین سپرده‌گذاران و بانک) نوشته شده است. مطابق این دستورالعمل[1]، «سود مشاع» عبارت است از «منافع ریالی حاصل از به‌کارگیری خالص منابع سپرده‌گذار[2] و منابع بانک در مصارف مشاع[3]».

علاوه بر عباراتی نظیر «کسر سپرده قانونی از سپرده‌ها» یا «مصرف وجوه ریالی در عملیات اعطای تسهیلات» در این تعاریف، که دال بر دیدگاه واسطه مالی بودن بانک است، منطق تفکیک درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع نیز برخاسته از همین دیدگاه است. استدلال پشتیبان این تفکیک، آن است که بخشی از درآمدهای بانک (درآمدهای حاصل از اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری‌ها)، از محل منابع سپرده‌گذاران صورت گرفته و لذا باید میان بانک و سپرده‌گذاران تقسیم شود؛ اما بخش دیگری از درآمدها بانک، از جمله درآمدهای کارمزدی، ارتباطی با سپرده سپرده‌گذاران نداشته و درآمد غیرمشاع بانک تلقی می‌شود. این منطق در بخش بعد مورد نقد قرار گرفته و دلالت آن در طراحی صورت سود و زیان بانک بیان خواهد شد.

مب/۱۷۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۸). در سال‌های ۱۳۸۷ (طی بخشنامه شماره ۸۷/۱۲۶۳۳۱) و ۱۳۹۳ (به موجب بخشنامه شماره ۹۳/۳۷۸۵۲) اصلاحات جزئی در این دستورالعمل انجام شد. بازنگری کلی این دستورالعمل با عنوان «دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی)» در تاریخ ۱۳۹٤/۲/۲۹ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید.

[1] ماده ۱ (تعاریف و کلیات)

۲ ۱-٦- خالص منابع سپرده‌گذار: میانگین مانده پایان هفته منابع سپرده‌گذار پس از کسر میانگین مانده پایان هفته سپرده قانونی تودیع شده.

۳ ۱-۷- مصارف مشاع: وجوه ریالی که در عملیات موضوع تبصره ذیل ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و ماده ۹۸ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مصرف می‌گردد. میانگین مانده وجوه مزبور در پایان هفته‌های دوره، ملاک محاسبه می‌باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٤. امکان‌سنجی ایجاد سازگاری میان قانون و مقررات عملیات بانکی بدون ربا با ماهیت بانک

بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده در بخش قبل، دیدگاه حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های آن، قانون پولی و بانکی و نیز بسیاری از مقررات حوزه بانکی، دیدگاه واسطه مالیِ صِرف بودنِ بانک است؛ اما چنانکه در بخش نخست تشریح شد، این دیدگاه با واقعیت بانک در تعارض است. بر این اساس امکان‌سنجی ایجاد سازگاری میان قوانین و مقررات مذکور با ماهیت بانک ضرورت دارد که در این بخش بررسی می‌گردد.

شایان ذکر است پیشنهادهای ارائه‌شده در این بخش به منظور افزایش سازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با واقعیت بانک، نباید به معنای پذیرش اصل نهاد بانک (به عنوان خلق‌کننده پول) تلقی شود. ارزیابی نهاد بانک و اصل خلق پول از منظر اسلامی در بسیاری از مطالعات، نشان‌دهنده انتقادهای جدی از منظر عدالت و کارایی است[1] که ضرورت تدبیر بلندمدت و طراحی نظامات متفاوت تأمین مالی در اقتصاد را ضروری می‌سازد؛ اما کارویژه مقاله حاضر، صرفاً امکان‌سنجی ایجاد نوعی سازگاری کوتاه‌مدت میان مقررات بانکی ایران و ماهیت و واقعیت بانک است تا در دوره گذار، حداقل بخشی از عقود میان بانک و سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان، مطابق واقع و منطبق بر ضوابط شرعی باشد.

٤-١. تعاریف

عملیات بانکی: ازآنجاکه بانک هنگام اعطای تسهیلات، سپرده جدید خلق می‌کند، عباراتی نظیر «به‌کارگیری سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات»[2] و تعریف عملیاتی بانکی به «دریافت سپرده و به‌کارگیری آن در قالب اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار»[3] نادرست خواهد بود. با لحاظ دیدگاه خلق پول تعریفی که منطبق بر ماهیت و واقعیت بانک است، «قبول سپرده،

---

۱ به عنوان مثال ر.ک. روحانی و خاندوزی، «ارزیابی نظام پولی مبتنی بر ذخیره جزئی با معیار کارایی و عدالت»

[2] تعریف ارائه‌شده در ماده ۱ مقررات ناظر بر عملیات مجاز بانکی

[3] تعریف ارائه‌شده در ماده ۱ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خلق سپرده از طریق اعطای وام و سرمایه‌گذاری و انجام عملیات پرداخت» خواهد بود. در کنار تعریف فوق، می‌توان تعریف دیگری نیز برای عملیات بانکی ارائه نمود که ضمن آنکه نادرست نیست، مناقشه کمتری با دیدگاه رایج (واسطه مالیِ صِرف) ایجاد می‌کند و آن عبارت است از: «قبول سپرده، اعطای تسهیلات و انجام عملیات پرداخت». در این تعریف، در واقع رابطه میان جذب سپرده و اعطای تسهیلات (رابطه میان دو طرف ترازنامه)، نه از جنس «تخصیص یکی به دیگری»، بلکه صرفاً برقراری تعادل میان این دو (تراز بودن ترازنامه) است.

سپرده: ازآنجاکه بانک علاوه بر «دریافت» سپرده، امکان «خلق» سپرده (رد فرایندهای پیش‌گفته) را نیز دارد، لذا تعریف «سپرده» به عنوان «وجهی که از عموم دریافت می‌گردد»[1] نادرست خواهد بود. به منظور ایجاد سازگاری با دیدگاه خلق پول و واقعیت بانک می‌توان تعریف زیر را برای سپرده پیشنهاد نمود: «تعهد بانک به پرداخت پول بانک مرکزی». این تعریف، هر دو نوع سپرده جذب‌شده از سایر بانک‌ها یا خلق‌شده توسط بانک را شامل می‌شود.

تجهیز منابع پولی: بخشی از سپرده‌های هر بانک، در فرایند وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری یا پرداخت بهره «خلق» می‌شوند و بخش دیگری از سپرده‌های بانک، حاصل جذب (تجهیز) منابع از سایر بانک‌ها، دولت یا بانک مرکزی است. در واقع بخشی از سپرده‌های شبکه بانکی «تجهیز» می‌شوند و بخش دیگر، همزمان با «تخصیص» منابع، «خلق» می‌شوند (یعنی سپرده مفهومی اعم از تجهیز منابع است)، لذا تعریف انواع سپرده ذیل عنوان «تجهیز منابع» محل اشکال خواهد بود. توضیح آنکه هرچند تجهیز منابع برای یک بانک، به معنای جذب سپرده از سایر بانک‌ها، معنی‌دار است، اما کافی است توجه کنیم که «تجهیز منابع» برای کل شبکه بانکی اساساً فاقد معنا است. شبکه بانکی به عنوان یک کل، سپرده‌ها را تجهیز نمی‌کند، بلکه خلق می‌کند. آنچه «کل شبکه بانکی» می‌تواند و باید «تجهیز» کند، ذخایر یا پول بانک مرکزی است که لزوماً ارتباطی با سپرده‌ها یا پول بانکی ندارد. لذا استفاده از عنوان «تجهیز منابع پولی» در عنوان فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و همچنین

---

۱ تعریف ارائه‌شده در ماده ۱ مقررات ناظر بر عملیات مجاز بانکی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عبارت «قبول سپرده» در ماده ۳ این قانون، با واقعیت بانک سازگار نیست و بهتر است عنوان «عملیات بانکی» جایگزین آن شود.[۱]

قوه ابراء: با توجه به تمایز پیش‌گفته میان بدهی بانک مرکزی و بدهی بانک، آنچه در عمل در اقتصادهای امروز دارای قوه ابراء قانونی است، بدهی بانک مرکزی (ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی و اسکناس و مسکوک منتشره) است. بدهی بانک‌ها (سپرده‌های بانکی) هرچند در سطوحی می‌توانند قوه ابراء داشته باشند[۲]، اما تنها بدهی بانک مرکزی است که دارای قوه ابراء فراگیر است و می‌تواند «قانونی» تلقی شود. لذا ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور باید بدین صورت اصلاح شود: «تنها اسکناس و مسکوک منتشره توسط بانک مرکزی و سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی، جریان قانونی و قوه ابراء دارد».

٤-۲. تفکیک درآمد مشاع و غیرمشاع

دلالت دیگر دیدگاه خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی، در تفکیک درآمدهای بانک به «مشاع» و «غیرمشاع» است. استدلال پشتیبان این تفکیک، که متکی بر دیدگاه واسطه‌گری مالیِ صِرف می‌باشد، آن است که بخشی از درآمدهای بانک با استفاده از منابع سپرده‌گذاران حاصل شده. در واقع درآمدهای حاصل از اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری‌های بانک، در واقع با به‌کارگیری منابع سپرده‌گذاران ایجاد شده، پس متعلق به سپرده‌گذاران است و بانک باید حق‌الوکاله خود را از درآمد حاصله کسر کند و الباقی را بین سپرده‌گذاران توزیع نماید[۳]؛ اما بخش دیگری از درآمدها بانک، از جمله درآمدهای کارمزدی، ارتباطی با سپرده سپرده‌گذاران نداشته و درآمد غیرمشاع بانک تلقی می‌شود؛ اما واقعیت آن است که نه

---

[۱] البته در صورتی که مراد از عبارت «تجهیز»، معنایی عام باشد که هم شامل «جذب» سپرده و هم شامل «خلق» سپرده باشد، در آن صورت این اشکال وارد نخواهد بود؛ اما آنچه در وهله اول از عبارت «تجهیز» برداشت می‌شود، «جذب» سپرده است.

[۲] به عنوان مثال در تسویه معاملات بین دو شخص که هر دو در یک بانک صاحب حساب هستند، تسویه معامله به صورت بدهکار شدن حساب شخص اول در این بانک و بستانکار شدن حساب شخص دوم در همان بانک صورت می‌گیرد. در این حالت عملاً بدهی بانک مذکور دارای قوه ابراء فرض شده است.

[۳] البته در این دیدگاه، اگر بانک بخشی از سرمایه‌گذاری یا اعطای تسهیلات را از محل سرمایه خود (سهامداران) انجام داده باشد، متناسب با این بخش، سهامداران نیز در درآمد حاصله شریک می‌شوند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات بانک از محل سپرده سپرده‌گذاران انجام می‌شود و نه درآمدهای کارمزدی بانک می‌تواند مستقل از سپرده سپرده‌گذاران حاصل شود. سپرده‌گذاران با سپرده‌گذاری نزد یک بانک، امکان تودیع سپرده قانونی و تسویه در بازار بین بانکی را برای آن بانک فراهم می‌کنند و این در واقع «مشارکت در عملیات بانک» است. کلیه عملیات بانک، از جمله اعطای تسهیلات (در قالب خلق سپرده جدید)، درآمدهای کارمزدی و...، درآمدهایی را حاصل می‌کند که سپرده‌گذاران به صورت غیرمستقیم در آن تأثیر داشته‌اند. لذا تفکیک درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع فاقد وجاهت نظری خواهد بود و سپرده‌گذاران در کلیه درآمدهای بانک شریک هستند.

اما باید توجه داشت که بانک برای آنکه مجاز به ادامه فعالیت باشد، باید همواره معادل درصدی از سپرده‌های خود، نزد بانک مرکزی «ذخیره» نگهداری کند (یعنی در حساب خود در ترازنامه بانک مرکزی موجودی داشته باشد). مشارکت و تأثیر سپرده‌گذاران در عملیات بانکی، صرفاً تأمین این ذخیره برای ادامه فعالیت بانک است. در واقع هنگام جابجایی سپرده یک فرد از بانک الف به بانک ب، معادل رقم سپرده‌گذاری شده، از ذخایر بانک الف کسر و به ذخایر بانک ب افزوده می‌شود. این امر موجب می‌شود بانک ب بتواند عملیات تسویه بین‌بانکی و همچنین تودیع حداقل ذخیره قانونی را محقق نماید و به فعالیت قانونی خود ادامه دهد.[۱] در واقع سپرده‌گذاران در «اجرای عملیات تسویه بین‌بانکی و تودیع سپرده قانونیِ بانک» مشارکت می‌کنند که لازمه همه فعالیت‌های بانک (اعم از اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری یا اخذ کارمزد و...) است. بر این اساس، سپرده‌گذاران در کل «عملیات بانکی» مؤثر هستند و مشارکت دارند. لذا در صورتی که فرض کنیم نحوه تأثیر سپرده‌گذاران در تداوم فعالیت بانک، در چارچوب «مشارکت» انجام می‌شود، باید سپرده‌گذاران در کل درآمد حاصل از همه عملیات بانکی شریک باشند.[۲]

---

[۱] دقت به این موضوع ضروری است که این بیان، صرفاً درباره سپرده‌های بانکی که حاصل جابجایی سپرده از بانک دیگر هستند صادق است و درباره سپرده‌هایی که بانک رأساً در هنگام اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری خلق می‌کند، صادق نیست. در واقع تنها بخشی از سپرده‌های بانکی، کارکرد «تأمین ذخایر» را برای بانک دارند.

[۲] در مقام تبیین نحوه تأثیر سپرده‌گذاران در تداوم فعالیت‌های بانک، چارچوب‌های دیگری نیز قابل پیشنهاد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

لذا در صورتی که در طراحی رابطه میان سپرده‌گذاران و بانک (به بیان دقیق‌تر، در طراحی منطق سهم‌بری سپرده‌گذاران از درآمد و سود بانک)، فرض را بر استفاده از چارچوب مشارکت بگذاریم، چارچوب حسابداری صورت سود و زیان بانک در مدل عملیات بانکی بدون ربا، باید به صورت زیر اصلاح شود:

۱. کل درآمدهای بانک (اعم از درآمدهای تسهیلاتی و درآمدهای کارمزدی) محاسبه شود (A)،
۲. سهم بانک (B)[۱] و سایر طلبکاران از جمله سپرده‌گذاران (C)[۲] از کل درآمدها محاسبه شود،
۳. حق‌الوکاله بانک برای مدیریت سپرده‌ها (D) از سهم سپرده‌گذاران کسر شود (C–D)،
٤. سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری (E) از سهم سپرده‌گذاران کسر شود (C–D–E)،
۵. رقم فوق (C–D–E) بین سپرده‌گذاران، به نسبت مدت و مبلغ سپرده‌گذاری، توزیع شود.[۳]

٤-۳. عقود مربوط به انواع سپرده

قرض: مطابق ماده ۱۵ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، «قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می‌کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان

است (از جمله حق‌الضمان)، اما تفصیل این تبیین و نیز دلالت‌های آن، در این مجال نمی‌گنجد.

[۱] نسبت سرمایه به کل ترازنامه بانک

[۲] سهم سپرده‌ها از کل ترازنامه، بر اساس میانگین مانده پایان هفته سپرده‌ها

[۳] روش‌های مختلفی در خصوص چگونگی توزیع سود مازاد (مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب و قطعی) بین سپرده‌گذاران وجود دارد که برخی از آنها توسط بانک مرکزی در بخشنامه شماره مب/۱۹۶۰ مورخ ۱۳۸٤/۱۰/۱۰ بیان شده است. با این وجود، هریک از این روش‌ها در معرض انتقاداتی قرار دارد که به منظور رعایت اختصار، در این مقاله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید»: برای تحلیل کامل بودن این تعریف، باید توجه نمود که هر بانک دارای دو نوع سپرده با نام قرض‌الحسنه است:

۱. سپرده قرض‌الحسنه‌ای که بانک از سایر بانک‌ها جذب نموده (در واقع منابع سپرده‌گذارانی که در سایر بانک‌ها سپرده داشته‌اند را جذب نموده)، که در پایان روز، خالص جابجایی این نوع سپرده‌ها در ذخایر بانک نزد بانک مرکزی نیز منعکس می‌شود. عقد بین بانک و سپرده‌گذار در مورد این سپرده‌ها، می‌تواند قرض باشد، چراکه منابعی از خارج از بانک، به واسطه سپرده‌گذار، در اختیار بانک قرار گرفته است.[1]

۲. سپرده قرض‌الحسنه‌ای که بانک در لحظه اعطای تسهیلات (یا سرمایه‌گذاری یا پرداخت هزینه‌هایی نظیر حقوق و دستمزد کارکنان)، خلق می‌کند. در واقع بانک، سپرده جدیدی را از هیچ برای او خلق کرده ذمه خود را نسبت به صاحب سپرده جدید، مشغول می‌کند. در اینجا قرض‌گیرنده، فرد است و قرض‌دهنده، بانک. از سوی دیگر، هرچند این سپرده، با نام سپرده قرض‌الحسنه دانسته می‌شود و بانک، قرض‌گیرنده و فرد، قرض‌دهنده تلقی می‌شود؛ اما فرد، این سپرده را به بانک «تملیک» نکرده و بانک «قبول» ننموده، یعنی در لحظه بستانکار شدن این حساب، اساساً نیت قرض دادن در فرد وجود نداشته است. لذا عقد بین بانک و سپرده‌گذار در مورد این سپرده‌ها، نمی‌تواند «قرض» باشد.

بر این اساس به نظر می‌رسد در قانون و مقررات بانکداری بدون ربا، تنها سپرده‌های نوع اول در نظر گرفته شده و به سپرده‌های نوع دوم توجه نشده است. همچنین با توجه به توضیح بیان‌شده، عقد فی‌مابین سپرده‌گذار و بانک درباره نوع دوم سپرده‌ها، نمی‌تواند «قرض» دانسته شود و اساساً اینکه آیا امکان تعریف یک عقد شرعی برای نوع دوم سپرده‌ها وجود دارد یا خیر، خود محل تأمل است. ضمن آنکه باید توجه داشت که تمام

[1] هرچند در تحلیل ابتدایی، استفاده از عقد وکالت در مورد این نوع سپرده‌ها نادرست نیست، اما «وکالت برای اعطای تسهیلات از محل این سپرده‌ها» همچنان نادرست است. تفصیل این مطلب در قسمت بعد تشریح می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سپرده‌های موجود در نظام بانکی، ابتدائاً به روش دوم ایجاد شده‌اند (توسط بانک خلق شده‌اند) و صرفاً در هنگام جابجایی بین بانک‌های مختلف، مصداق نوع دوم سپرده می‌شوند.

وکالت: وام و تسهیلات پرداخت‌شده توسط بانک، نه از محل سپرده‌ها یا ذخایر نزد بانک مرکزی، بلکه از محل خلق پول جدید صورت می‌گیرد. جذب سپرده توسط بانک به معنی افزایش ذخایر این بانک نزد بانک مرکزی و کاهش ذخایر بانک دیگر (به همان میزان) است. از سوی دیگر نیز، تسهیلاتی که بانک اعطا می‌کند یا سودی (بهره‌ای) که به صاحبان سپرده پرداخت می‌کند (که هر دو به شکل خلق سپرده جدیدند) تا زمانی که به درخواست صاحب سپرده، به حسابی نزد بانک دیگر منتقل نشود، نیازی به ذخایر نخواهد داشت؛ بنابراین بانک از سپرده‌های سرمایه‌گذاری که پیش‌تر جذب کرده (و هنگام تسویه با بانکی که سپرده‌ها از آن جذب شده، ذخایری معادل مقدار این سپرده برای بانک ایجاد شده)، تنها به منظور تودیع ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی و یا تسویه تراکنش‌ها در بازار بین‌بانکی می‌تواند استفاده کند و این امور لزوماً ارتباطی به اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری‌های بانک ندارند.[1]

بر این اساس عباراتی نظیر «وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای استفاده از سپرده‌های سرمایه‌گذاری در اعطای انواع تسهیلات» اساساً نادرست خواهد بود و تعریف رابطه میان سپرده‌گذار و بانک در چارچوب عقد «وکالت» با تعریف فوق، نادرست خواهد بود. یک پیشنهاد اصلاحی در این خصوص آن است که با فرض اصرار بر تعریف رابطه میان بانک و سپرده‌گذار در چارچوب «وکالت»، موضوع وکالت را، نه «به‌کارگیری سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات»، بلکه وکالتی بسیار عام‌تر تعریف کنیم؛ به عنوان مثال «وکالت در استفاده

[1] شایان ذکر است که میان دو نوع سپرده نیز باید تمایز قایل شد: سپرده‌ای که بانک از سایر بانک‌ها جذب نموده (که پس از تسویه بین‌بانکی، رقمی معادل این سپرده، در حساب بانک نزد بانک مرکزی افزوده می شود) و سپرده‌ای که بانک در قالب وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری یا پرداخت بهره، خلق نموده است (که فاقد معادلی در ترازنامه بانک مرکزی است). استفاده از عقد وکالت برای تبیین سپرده‌های نوع اول، با اعمال اصلاحاتی در موضوع وکالت، ممکن است؛ اما سپرده‌های نوع دوم اساساً نمی‌توانند موضوع عقد وکالت قرار گیرند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از سپرده‌های جذب‌شده به شکل ذخایر نزد بانک مرکزی، برای امر تودیع سپرده قانونی یا تسویه بین‌بانکی» یا با بیان کلی‌تر، «وکالت در استفاده از سپرده‌ها برای انجام عملیات بانکی».[1]

اما این پیشنهاد نیز وافی به مقصود نیست زیرا در عقد وکالت، سود پس از پایان عملیات وکیل محاسبه و توزیع می‌شود؛ درحالی‌که در جریان جذب سپرده توسط بانک، آنچه بیش از همه برای بانک اهمیت دارد، دچار نشدن به کسری ذخایر و اضافه برداشت است. در صورتی که بانک بداند در صورت عدم موفقیت برای جذب سپرده، ناگزیر به استقراض در بازار بین‌بانکی یا اضافه برداشت از بانک مرکزی با نرخ جریمه ۳٤ درصد خواهد شد، حاضر است با وعده نرخ سود بالاتر از میانگین بازار سپرده، به جذب سپرده اقدام نماید، هرچند اطمینان داشته باشد که این نرخ بیش از درآمد حاصل از دارایی‌های بانک است. این موضوع با منطق سود علی‌الحساب و نظریه وکالت همخوانی ندارد و نمی‌توان با تغییر ظاهری این مشکل را برطرف نمود.[2]

[1] البته حتی اگر این پیشنهاد را هم بپذیریم و عقد فی‌مابین سپرده‌گذار و بانک را «وکالت در استفاده از سپرده‌ها برای انجام عملیات بانکی» تعریف کنیم، باز هم برخی از عملیات بانکی غیر قابل توجیه خواهد بود. به عنوان مثال، هنگامی که یک شخص املاک خود را به بانک می‌فروشد، سپرده‌ای برای آن شخص توسط بانک «خلق» می‌شود. این سپرده هیچ نقشی در «کمک به تداوم عملیات بانک» یا «کمک به تسویه بین‌بانکی یا تودیع ذخیره قانونی» ندارد (چراکه ما بازای آن سپرده، ذخایری برای بانک تجهیز نشده است)، اما بانک به صاحب سپرده سود پرداخت می‌کند. در این حالت کاربست پیشنهاد فوق (وکالت عام) ممکن نیست و روشن نیست که عقد مابین سپرده‌گذار و بانک «وکالت برای انجام چه امری» است.

[2] در این خصوص، یک پیشنهاد برای ایجاد سازگاری نسبی، این است که سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌ها، به صورت دستوری و با اعمال نظارت شدید، در سطحی تعیین شود که با احتمال بالایی کمتر از سود قطعی بانک در پایان دوره مالی باشد. این پیشنهاد با منطق سود علی‌الحساب نیز سازگاری بیشتری دارد، یعنی تنها «بخشی» از سود پیش‌بینی‌شده باید به صورت علی‌الحساب پرداخت شود. البته این پیشنهاد نیازمند تدقیق و بررسی جوانب و اثرات مختلف آن از منظر اقتصاد کلان نیز هست که مجال دیگری می‌طلبد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٤-٤. عقود مربوط به انواع تسهیلات

از منظر دیدگاه خلق پول، در فرایند اعطای تسهیلات (اعم از تسهیلات مشارکتی یا مبادله‌ای)، بانک در قالب خلق سپرده جدید برای تسهیلات‌گیرنده، قدرت خرید جدیدی برای وی ایجاد و خود را متعهد به بازپرداخت آن می‌کند. در واقع بانک با ایجاد قدرت خرید جدید و متعهد نمودن خود به بازپرداخت، با گیرنده تسهیلات مشارکت می‌نماید (در تسهیلاتی نظیر مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و...) یا در فرایند مبادله کالا یا خدمات مورد نیاز گیرنده تسهیلات، تسهیل ایجاد می‌کند (در تسهیلاتی نظیر فروش اقساط، سلف، جعاله و...). به این ترتیب، عقودی که در حال حاضر برای اعطای تسهیلات توسط بانک تعریف شده است، تعارضی با دیدگاه خلق پول (منطبق بر واقعیت) نسبت به بانک ندارد. به بیان دیگر، مهم‌ترین دلالت‌های دیدگاه خلق پول در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در عقود و روابط میان بانک و سپرده‌گذار است؛ و عقود و روابط میان بانک و تسهیلات‌گیرنده دچار تغییر نمی‌شود.[1]

٤-٥. سپرده‌گذاری و وام‌دهی بین‌بانکی

بر مبنای آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، رابطه حقوقی تعریف‌شده در قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا، میان تسهیلات‌گیرندگان و بانک، با دیدگاه خلق پول و واقعیت بانک کمابیش سازگار است. همچنین در خصوص رابطه میان سپرده‌گذاران و بانک، هرچند در حال حاضر سازگاری وجود ندارد، اما امکان ایجاد سازگاری از طریق اصلاح برخی تعاریف (نظیر تعریف سپرده و عملیات بانکی)، اصلاح موضوع وکالت در عقد وکالت و اصلاح چارچوب حسابداری صورت سود و زیان بانک (عدم تفکیک درآمدهای مشاع و غیرمشاع) کمابیش وجود دارد. در این بخش تحلیل می‌شود که سازگاری میان قوانین و مقررات مذکور با واقعیت بانک (دیدگاه خلق پول)، در خصوص روابط میان بانک‌ها در

[1] باید توجه داشت که عدم تعارض میان «عقود مربوط به انواع تسهیلات بانک‌ها» با «واقعیت بانک»، به این معنا نیست که اصل خلق پول توسط بانک برای اعطای تسهیلات، تعارضی با شرع ندارد. نفی یا اثبات چنین تعارضی، نیاز به کنکاش فقهی دارد که خارج از هدف مقاله حاضر است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بازار بین‌بانکی و روابط میان بانک‌ها و بانک مرکزی تا چه میزان وجود دارد و در صورت فقدان تا چه میزان ممکن است.

بانک مرکزی بر مبنای بسته سیاستی-نظارتی سال ۱۳۸۷، از تاریخ ۸۷/٤/۱۸ و با حضور بانک‌های صادرات ایران، تجارت، رفاه کارگران، توسعه صادرات، صنعت و معدن، پست‌بانک و بانک‌های خصوصی، بازار بین‌بانکی را برای انجام مبادلات عمده بین بانک‌ها راه‌اندازی نمود.[۱] همچنین بانک مرکزی بانک‌ها را مکلف نمود تا سپرده‌گذاری مدت‌دار نزد یکدیگر را صرفاً از طریق بازار بین‌بانکی انجام دهند.[۲]

در حال حاضر تودیع وجوه بانک‌ها نزد یکدیگر در بازار بین‌بانکی، به صورت سپرده سرمایه‌گذاری و مبتنی بر عقد وکالت صورت می‌گیرد. همچنین نرخ سود علی‌الحساب این سپرده طبق توافق طرفین تعیین می‌شود و بانک‌ها باید مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب و قطعی را پس از پایان سال مالی تسویه نمایند.[۳] در واقع در چارچوب فعلی فرض بر این است که بانک سپرده‌گذار، بانک سپرده‌پذیر را وکیل در به‌کارگیری سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات می‌نماید. در این خصوص، حتی با مبنا قرار دادن دیدگاه حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا (واسطه مالیِ صِرف بودن بانک)، پرسش‌ها و ابهاماتی قابل طرح است، از جمله اینکه:

۱. لازمه عقد وکالت در سپرده‌گذاری بین‌بانکی آن است که همانند سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها، در پایان دوره مالی، کل سود حاصل از به‌کارگیری این سپرده‌ها محاسبه شود و پس از کسر حق‌الوکاله بانکِ سپرده‌پذیر، مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب به بانک سپرده‌گذار پرداخت گردد؛ اما تاکنون چنین رخدادی در صورت‌های مالی بانک‌ها مشاهده نشده که یک بانک از بانک دیگر «مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب» دریافت نماید.

---

[۱] http://www.cbi.ir/showitem/5331.aspx

[۲] بخشنامه شماره ۹۳/۷۵۱۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۲ بانک مرکزی

[۳] دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین‌بانکی ریالی مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ شورای پول و اعتبار – ماده ۵

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. گزارش عملکرد بازار بین‌بانکی نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد از سپرده‌گذاری‌ها در بازار بین‌بانکی، یک‌شبه است.[۱] آیا اساساً سپرده‌های یک‌شبه، می‌تواند برای پرداخت تسهیلات به متقاضیان مورد استفاده قرار گیرد تا عقد فی‌مابین دو بانک (وکالت برای اعطای تسهیلات) محقق شود؟

اما گذشته از ابهامات فوق، چنان‌که بیان شد، هیچ بانکی در نظام پولی امروز، موجودی سپرده خود نزد بانک مرکزی (که از طریق سپرده‌گذاری سایر بانک‌ها به دست آمده) را وام نمی‌دهد. سپرده‌های مبادله شده در بازار بین‌بانکی، صرفاً برای تودیع ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی یا تسویه معاملات در پایان روز بین بانک‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین اساساً عقدی که مبنای معاملات بازار بین‌بانکی است (سپرده‌گذاری به معنی اعطای وکالت برای به‌کارگیری سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات)، امکان تحقق خارجی ندارد.

با توجه به ناسازگاری چارچوب فعلی عقود در بازار بین‌بانکی با واقعیت بانک و دیدگاه خلق پول، این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان ایجاد سازگاری، از طریق اصلاحاتی نظیر موارد پیشین وجود دارد؟[۲] ظاهراً در اینجا نیز می‌توان با تغییر موضوع وکالت در عقد سپرده‌گذاری و تعریف «وکالت در انجام عملیات بانکی»، سازگاری نسبی ایجاد نمود؛ اما مسئله مهمی که در بازار بین‌بانکی وجود دارد و در رابطه میان بانک و سپرده‌گذاران غیربانکی کمتر بروز می‌یافت، آن است که سپرده‌گذاری‌های بین‌بانکی به صورت یک‌شبه و با نرخ‌های پرنوسان انجام می‌شود. این ویژگی، امکان ایجاد سازگاری را زیر سؤال می‌برد.

در رابطه میان بانک و سپرده‌گذاران غیربانکی، یک پیشنهاد برای ایجاد سازگاری، این بود که سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌ها، به صورت دستوری و در سطحی تعیین شود که

---

[۱] بانک مرکزی گزارش معاملات بازار بین‌بانکی به تفکیک مدت سپرده‌گذاری را تنها در سال ۹۳ منتشر نمود که در این سال ۹٤,۵ درصد از کل سپرده‌گذاری‌ها به صورت یک‌شبه بوده است. در سال‌های بعد نیز در گزارش بانک مرکزی تصریح شده که سپرده‌گذاری بانک‌ها نزد یکدیگر عمدتاً به صورت یک شبه می‌باشد.

[۲] البته توجه داریم که کاربست عقد قرض برای تعریف تعاملات بین بانکی ممکن و مقدور است، اما پرسشی که در این بخش به دنبال آن هستیم، تعریف عقدی است که متضمن پرداخت و دریافت سود میان متعاقدین باشد و بتواند توجیه‌گر رابطه فعلی بانک‌ها در بازار بین‌بانکی باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با احتمال بالایی کمتر از سود قطعی بانک در پایان دوره مالی باشد. در این حالت بانک وکیلِ سپرده‌گذار «در انجام عملیات بانکی» می‌گردید و مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب پس از کسر حق‌الوکاله بانک، در پایان دوره مالی محاسبه و به سپرده‌گذار پرداخت می‌شد. فارغ از اشکالاتی که به این پیشنهاد وارد بود و در بخش قبل تشریح شد، در بازار بین‌بانکی، بانک‌ها صرفاً برای پوشش کسری‌های خود (برای تودیع ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی یا تسویه بین‌بانکی)، اقدام به سپرده‌گیری یک‌شبه از سایر بانک‌ها می‌نمایند. تعیین نرخ علی‌الحساب ثابت برای این سپرده‌گذاری‌ها اولاً ممکن نیست و ثانیاً با فلسفه تأسیس بازار بین‌بانکی در تعارض است. لذا چارچوب پیشنهادی فوق در این مورد قابل پیاده‌سازی نیست.

واقعیت آن است که نرخ بهره بازار بین‌بانکی، حاصل رقابت بانک‌ها در جذب ذخایر (پایه پولی) است و یک نرخ کاملاً پولی (غیرمرتبط با بخش حقیقی اقتصاد) است. مهم‌ترین عامل مؤثر بر این نرخ، مقررات و سیاست‌های بانک مرکزی در تعیین سقف و کف کریدور بهره («نرخ جریمه اضافه برداشت یا نرخ تسهیلات آماده اعتباری» و «نرخ جایزه یا بهره سپرده قانونی») از یک‌سو و نرخ بهره سیاستی (که برای دستیابی به آن اقدام به عملیات بازار باز می‌کند) است. بانک‌ها به منظور جلوگیری از اضافه برداشت (کسری ذخیره قانونی) حاضر خواهند بود هر نرخی کمتر از نرخ جریمه اضافه برداشت بانک مرکزی را در بازار بین‌بانکی پیشنهاد داده و سپرده سایر بانک‌ها (ذخایر) را با این نرخ جذب کنند. این نرخ، یک‌شبه است و هیچ ارتباط مستقیمی با سود بانک در پایان سال مالی ندارد. نام‌گذاری چنین نرخی به «علی‌الحساب»، صرفاً اصلاح لفظ است و تغییری در ماهیت آن (که قرض به شرط زیاده است) نخواهد داد. تعیین‌کننده این «نرخ علی‌الحساب»، رقابت بانک‌ها در بازار بین‌بانکی است، نه بخشنامه بانک مرکزی و نه سود فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد.

در مجموع به نظر می‌رسد اصلاحات پیشنهادشده در بخش‌های قبل به منظور ایجاد سازگاری میان مقررات عملیات بانکی بدون ربا و واقعیت بانک، برای ایجاد سازگاری در عملیات بین‌بانکی قابل استفاده نیست. لذا در این بخش، چند مسیر قابل اتخاذ است:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. سپرده‌گذاری بین‌بانکی با عقد «وکالت در به‌کارگیری سپرده‌ها برای عملیات بانکی» و نام‌گذاری نرخ یک‌شبه این بازار به «علی‌الحساب» و هبه دوطرفه مابه‌التفاوت سود علی‌الحساب مذکور و سود قطعی انتهای سال مالی بانک. این راه بیش از آنکه ایجاد سازگاری میان مقررات و واقعیت بانک باشد، نوعی حیله شرعی است.

۲. متمایز دانستن ماهیت ذخایر (پول بانک مرکزی) که در بازار بین‌بانکی معامله می‌شود، با پول بانکی (که ابزار تسویه بخش غیربانکی است) و پذیرش شرعی بودن نرخ بهره در بازار نخست (که یک نرخ بهره سطح اقتصاد کلان است) در عین مردود دانستن بهره در بازار پول بانکی (که معادل ربا است).

۳. تغییر چارچوب تسویه تعهدات در بازار بین‌بانکی و نیز در تعامل بین بانک‌ها و بانک مرکزی (در تودیع سپرده قانونی)، به این صورت که به جای تمرکز بر «نرخ پول»، بر «مدت زمان سپرده‌گذاری» تمرکز شود.[1] این شیوه در برخی بانک‌های مرکزی نظیر انگلستان نیز در تودیع ذخیره قانونی به کار گرفته می‌شود (گری ۲۰۱۱). البته در این حالت نیز در نهایت (پایان دوره مالی) نیاز به تسویه خواهد بود که به‌ناچار باید از طریق مکانیسم «نرخ پول» انجام شود.

در نهایت به نظر می‌رسد با مدنظر قرار دادن ماهیت بانک و واقعیت خلق پول و نیز با توجه به پیشینی بودن بهره پرداختی بانک‌ها برای جذب سپرده/ذخایر، ایجاد سازگاری میان عملیات بین‌بانکی و اقتضائات بانکداری بدون ربا در این بخش ممکن نیست و پیشنهادات ارائه‌شده در سطور فوق نیز وافی به مقصود نخواهد بود.

۵. جمع‌بندی

به‌طورکلی سه دیدگاه در ارتباط با ماهیت بانک در ادبیات اقتصادی مطرح است. دیدگاه اول، بانک را صرفاً یک نهاد واسطه مالی می‌داند که سپرده‌های تجهیز شده را وام می‌دهد و

[1] به عنوان مثال اگر یک بانک به مدت یک روز دچار اضافه برداشت به مبلغ معینی شد، مکلف باشد به مدت یک روز دارای مازاد ذخایر به همان میزان باشد. یا اگر مقدار معینی از ذخایر را از بانک دیگر برای سه روز استقراض نمود، مکلف باشد به همین مدت، همین میزان ذخایر را به آن بانک قرض دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

لذا جذب سپرده پیش از وام‌دهی برای بانک ضروری است. لذا نه بانک‌ها و نه هیچ واسطه مالی دیگر، وجوه وام‌دادنی را «خلق» نمی‌کند. دیدگاه دوم (دیدگاه ضریب فزاینده)، هرچند امکان خلق پول را برای تک‌تک بانک‌ها نفی می‌کند اما خلق پول تجمعی بانک‌ها را می‌پذیرد و آن را حاصل زنجیره سپرده‌گذاری و وام‌دهی و محصول نظام ذخیره جزئی می‌داند. دیدگاه سوم (دیدگاه خلق پول انفرادی بانک‌ها) بیان می‌کند که بانک سپرده‌های مردم نزد خود یا ذخایر خود نزد بانک مرکزی را وام نمی‌دهد، بلکه وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری بانک، محصول «خلق پول از هیچ» است و بر مبنای محاسبات هزینه–فایده و حداکثرسازی سود بانک انجام می‌شود.

در صورتی که اولاً فهم کالایی از پول اصلاح شده و پول به عنوان بدهیِ بانک فهم شود؛ ثانیاً کلیه عملیات بانکی در چارچوب ترازنامه و با رعایت اصول حسابداری دوطرفه تحلیل شود؛ ثالثاً به تمایز و تفکیک ترازنامه بانک مرکزی از ترازنامه شبکه بانکی و ترازنامه بانک منفرد توجه شود، در این صورت ضرورتاً دو دیدگاه واسطه‌گری مالی و ضریب فزاینده رد شده و بانک به عنوان نهادی که منفرداً امکان خلق پول از هیچ دارد مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر، بررسی قوانین بانکی کشور از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی، همچنین بسیاری از مقررات مصوب شورای پول و اعتبار ذیل این دو قانون، نشان‌دهنده حاکمیت دیدگاه واسطه‌گری مالی نسبت به بانک است. بر این اساس و صرفاً به عنوان یک راهبرد کوتاه‌مدت، اصلاح رویکرد حاکم بر قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا و سازگار نمودن آنها با ماهیت و واقعیت بانک ضروری است (انتقادات متعددی که از منظر عدالت و کارایی نسبت به بانکداری امروز (مبتنی بر خلق پول بانکی) وجود دارد، طراحی نظامات متفاوت تأمین مالی در اقتصاد را برای بلندمدت ضروری می‌سازد).

در مقاله حاضر نشان داده شد که با اصلاحاتی در تعاریف عملیات بانکی، سپرده، قوه ابراء و...، همچنین اصلاح عقود شرعی مربوط به سپرده‌گذاری (قرض و وکالت) و نیز نحوه تقسیم درآمد بین بانک و سپرده‌گذار (مشاع و غیرمشاع)، امکان افزایش سازگاری میان واقعیت بانک و مقررات بانکداری بدون ربا تا حدودی وجود دارد؛ اما به‌طور ویژه در خصوص بخشی از سپرده‌های بانکی که محصول انتقال از سایر بانک‌ها نیست و نیز روابط

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بانک‌ها در بازار بین‌بانکی و تعامل بانک‌ها با بانک مرکزی، اشکالات جدی وجود دارد که ایجاد سازگاری میان ماهیت بانک و مقررات بانکداری بدون ربا، از طریق کاربست نظریه قرض یا وکالت را ناممکن می‌سازد. نکته حائز اهمیت آن است که هر رویکردی که در ارتباط با رابطه بانک و بانک مرکزی اتخاذ شود به رابطه بانک‌ها با یکدیگر در بازار بین بانکی و به تبع رابطه بانک و سپرده‌گذار نیز سرایت خواهد کرد.[1]

بر این اساس ادامه تلاش برای حذف ربا از بانک، مبتنی بر دیدگاه واسطه‌گری مالی (رویکرد حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا) مثمر ثمر نخواهد بود. بنابراین به عنوان یک راهبرد کوتاه‌مدت، ضروری است اندیشمندان با فهم دقیق از ماهیت بانک، به طراحی نظامات جدید و افزایش سازگاری بین بانکداری امروز با احکام شرعی بپردازند. این امر بیش از هر چیز، در گرو طراحی چارچوبی شرعی برای رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها است که اولاً متضمن توان مدیریت بانک مرکزی بر بازار پول باشد و منجر به خلق پول افسارگسیخته بانک‌ها نشود و ثانیاً بتواند خلق پول بانکی را در خدمت بخش واقعی اقتصاد هدایت نماید. در نهایت با توجه به اینکه اولاً کاربست نظریه وکالت در طراحی رابطه میان بانک مرکزی و بانک‌ها عملاً ممکن به نظر نمی‌رسد، ثانیاً انتقادات جدی از منظر عدالت و کارایی نسبت به بانکداری امروز وجود دارد، راهبرد اصولی و بلندمدت به منظور حذف ربا (بهره) از نظام تأمین مالی، طراحی نظامات و نهادهایی متفاوت با بانک است.[2]

[1] برای مثال در صورتی که بانک مرکزی بانک‌ها را به دلیل اضافه برداشت، با نرخ ثابت و از پیش تعیین شده جریمه (اخذ بهره ثابت) کند، این رابطه به بازار بین بانکی و بازار سپرده نیز سرایت خواهد کرد: بانک‌ها به منظور جلوگیری از اضافه برداشت (کسری ذخیره قانونی) حاضر خواهند بود در هر نرخی کمتر از نرخ جریمه اضافه برداشت بانک مرکزی، در بازار بین‌بانکی استقراض کنند یا سپرده سایر بانک‌ها (ذخایر) را با این نرخ جذب کنند. در این وضعیت، همه تعاملات بر اساس نرخ بهره ثابت از پیش تعیین شده بر قرار خواهد شد و سازوکار «وکالت برای به‌کارگیری سپرده‌ها» قابلیت پیگیری نیست.

[2] یک پیشنهاد ارائه‌شده در این خصوص، تفکیک نهادی کارکرد تأمین مالی از کارکرد نظام پرداخت است که به صورت مدون از دوره بحران بزرگ (۱۹۳۰) توسط برخی اقتصاددانان غربی مطرح شد. پرداختن به این موضوع نیازمند پژوهش دیگری است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع و مآخذ

۱. قانون بانکی و پولی مصوب ۱۳۳۹

۲. قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن

۳. قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳٦۲ و اصلاحات بعدی آن

٤. قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه سوم، چهارم و پنجم

۵. قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳

٦. قانون بودجه سال ۱۳۹٦

۷. آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ هیئت وزیران

۸. آیین‌نامه‌های فصول دوم، سوم، چهارم و پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا

۹. مقررات ناظر بر عملیات مجاز بانکی مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۲۷ شورای پول و اعتبار

۱۰. دستورالعمل اجرایی چگونگی محاسبه سود قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار با احتساب حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌ها – بخشنامه شماره مب/۱۷۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۸ بانک مرکزی و اصلاحات بعدی آن

۱۱. دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع (ریالی) مصوب ۱۳۹٤/۲/۲۹ شورای پول و اعتبار

۱۲. صمصامی، حسین، کیانپور، فرشته؛ بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی؛ فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹٤، شماره ۱۳

۱۳. دولت‌آبادی، سید مهدی؛ ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱٦

۱٤. سبحانی، حسن؛ درودیان، حسین؛ ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ٦٤

۱۵. کمیجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید؛ روحانی، سید علی؛ ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی: نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها؛ فصلنامه جستارهای اقتصادی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، سال ۱۵، شماره ۲۹.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

16. Bindseil, U. (2004). The Operational Target of Monetary Policy and the Rise and Fall of Reserve Position Doctrine. Europian Central Bank Working Paper.
17. Culbertson, J. (1958). Intermediaries and Monetary Theory: A Criticism of the Gurley-Shaw Theory. The American Economic Review.
18. Dudley, W. (2009). The Economic Outlook and the Fed's Balance Sheet: The Issue of "How" versus "When". Federal Reserve Bank of New York.
19. Goodhart, C. (2007). Whatever became of the Monetary Aggregates? Peston Lecture in honour of Maurice, Lord Peston. London.
20. Gray, S. (2011). Central Bank Balances and Reserve Requirements. IMF Working Paper.
21. Gurley, J., & Shaw, E. (1955). Financial Aspects of Economic Development. The American Economic Review.
22. Jakab, Z., & Kumhof, M. (2015). Banks are not intermediaries of loanable funds and why this matters. Bank of England Working Paper No. 529.
23. Keynes, J. M., (1930). A Treatise on Money, Vol.1. MacMillan and Co, London
24. King, M. (2012, October 23). Speech given by Governor of the Bank of England To the South Wales Chamber of Commerce
25. Lindner, F. (2015). Does Saving Increase the Supply of Credit? A Critique of Loanable Funds Theory. World Economic Review.
26. Mohd Naved Khan (2013). Credit Creation By Conventional Banks And Islamic Banking System. Asian Journal of Multidimensional Research, Vol 2, Issue 3.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

27. Samuelson, P., & Nordhaus, W. (1995). Economics (fifteenth ed.). McGraw-Hill.
28. Sheard, P. (2013). Repeat After Me: Banks Cannot And Do Not "Lend Out" Reserves. Standard & Poors - Ratings Direct.
29. Turner, A. (2013). Credit, Money and Leverage: What Wicksell, Hayed and Fisher Knew and Modern Macroeconomics Forgot. Conference on: “Towards a Sustainable Financial System". Stockholm.
30. Werner, R. (2014). Can banks individually create money out of nothing - The Theories and the Empirical Evidence. International Review of Financial Analysis.
31. Yusuf Jha (2013). From Goldsmiths to Modern Banking: A Frank Look at Money-Creation Process and Its Relevance to Islamic Banking. Islam And Civilisational Renewal, Vol 4, No 3
32. Zubair Hasan (2008). Credit creation and control: an unresolved issue in Islamic banking. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol 1, Issue 1.

Archive of SID.ir